

سودان جهان و نه توایب انجان سووم عطا کردن ز بر جایگاه چنانکه کز چهر
کیمی دهد که در آن توایب نباشد چارم راز خود با هر کس نفس نخم بر هر کسی نفاذ
کردن ششم دوست ملازدمن جدا نکردن و از وی حذر نکردن و
بناکه نخست دشمن تو نیتان است بنکر که فرمانبرداری او کمنی عیب
صلوات رحمن علیه کوفت بر سخنی که در آن زیاد خدای تعالی باشد ابطال است
و بر آفرینش که خدای تعالی آفریده است تفکر بنده بوقت خاموشی درین
بهاش غفلت است و نه کز بخت آن عبرت بهتر باز است پس طوبی
مگر آنکس لاکه سخن کردن او یا خدای تعالی بجز خاموشی او تفکر نبرد
آفرینش که خدای تعالی و کز بخت او عبرت بهتر او را می گوید کوی در حق تعالی
که مومن اندک سخن بهتر بسیار کردار و منافق اندک کردار و بسیار سخن
نجان حکیم بفرموده ملا کوفت که ای پسر بدان هر که بایران نشیند از زبان
نبرد در که بر او برود او ملا کوفت کند و هر که زبان نگاه نواله بیستان
خورد و روایت کند از پیغمبر صلی الله علیه و سلم که او فرموده عباد
مرا آنکس راست که زبان خود نکا برد و در خانه نشیند و برکنان خود که
حسن بصیری رحمت الله علیه گوید زبان مرد دانا بر دل او باز چون خواهد

کلی

که سخن گوید بیند ریشه در دل که کز آن سخن انرا سود دارد و کمبود کند
بگویند و دل مردم نادان بر سر زبانت چون خواهد که سخن گوید بریل
باز تکرد و نماند میند کند هر چه در دل ایند بگوید ابوز غفاری راجی الله
گوید بر سیدم از رسول صلی الله علیه و سلم که در صحیف ابراهیم چه بود
گفت ما ابوز در صحیف ابراهیم بود که باید فرزند را که زبان خود
نگاه دارد و اصل نماز خود را است ناسد و بکار خود منقول بهتر هر که سخن
خود را از کردار خود سترد سخن نگوید مگر چیزی که کار آنرا غیر کوفت صلوات
علیه و سلم که الهمت حکمت و قلیل فاعلم کوفت خاموشی حکمت است
و کردن او اندک است کسی بهتر که خاموشی کند و بعضی حلیان گفته اند
که در خاموشی عفت هزار نگوید است و آن عفت هزار نگوید و در عفت
سخن است اول آنکه عبادت است بی رنج دوم آنکه آرایش است بی برابر
سوم هستی است بی سیاحتانی و چهارم حصار بی یه دیواری تخم خدای
نایدخواست مردم ششم راحت است مکرر ام الکاتبین را
وظیفم برده عمیهاست انجان حکیم کوفت در سخن آدمی هیچ چیز بهتر از
دل و زبان نیست روایت کند که چون پیغمبر صلی الله علیه و سلم معاذ